

کشتار کارگران مجتمع نوب مس

را به کارزاری اجتماعی علیه رژیم بدل کنیم

روز شنبه 4 بهمن ماه 1382 (24 ژانویه 2004) بار دیگر رویداد تکان دهنده ای در صدر خبرهای مربوط به جامعه ایران قرار گرفت. جمهوری اسلامی تجمع اعتراضی کارگران مجتمع نوب مس خاتون آباد از توابع شهرک با بک، را به گلوله بست. به گلوله بستن این تجمع تنها به این دلیل صورت گرفت که کارگران بر علیه سیاست اخراج سازی کارفرما که قصد داشت از حضور کارگران قرار دادی در محل کار جلوگیری کند، گرد هم آمده و خواستار استخدام دایمی بخشی از همکاران خود بودند. با گسترش خبر کشته و زخمی شدن کارگران، دامنه اعتراضات کارگری به سراسر شهر بابک کشیده شد و پلیس ضد شورش رژیم اسلامی با تجهیزات کامل نظامی شهر را محاصره نموده، از زمین و هوا معترضین را به گلوله بست. بنابر گزارش رسانه های رسمی تعداد کشته شدگان تا پایان روز شنبه 7 نفر و زخمی ها بالغ بر ده ها نفر بوده است. اسامی 4 تن از جان باختگان این اقدام جنایتکارانه، مومنی، مهدوی، ریاحی و جاویدی، اعلام شده است. هنوز از وضعیت زخمی ها و کشته شدگان احتمالی دیگر، خبری در دست نیست.

سیاست آشکارا به گلوله بستن تجمع اعتراضی کارگران رویدادی تکان دهنده و سنگ بنای بدعت جدیدی است که رژیم برای مهار مبارزات کارگران و مقابله با جنبش کارگری به کار گرفته است و از نظر تشابه تاریخی یادآور سرکوب کارگران جهان چیت کرج در دوران سلطنت پهلوی، و روش های سرکوب کارگران، توسط رژیم های دیکتاتوری نظامی در آمریکای لاتین است.

رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز به قدرت رسیدن ماهیت ارتجاعی و ضد کارگری خود را از طریق سرکوب هرگونه آزادی های دموکراتیک، مدنی و اجتماعی و به ویژه دستگیری شکنجه و اعدام فعالان جنبش کارگری به معرض نمایش گذاشته است. با این همه این رویداد خونین آغازگر دوران جدیدی در سرکوب کارگران و تشدید خفقان در جامعه است. واقعیت این است که طی چند سال اخیر مبارزات کارگران بر علیه سیاست های متفاوت دولت و کارفرمایان از قبیل خصوصی سازی موسسات تولیدی، بیکار سازی، عدم پرداخت دستمزد ها و نیز برای تحقق مطالبات صنفی و اجتماعی خود در ابعاد وسیعی گسترش یافته است. با این حال در غیاب تشکل های مستقل و متکی به قدرت طبقاتی کارگران، رژیم و کارفرمایان سیاست و برنامه های ضد کارگری خود را به پیش برده اند. جمهوری اسلامی که در چنبره بحران سیاسی و اجتماعی فزاینده ای گرفتار شده است، بیش از هر چیز از تشدید مبارزه طبقاتی کارگران و فعال شدن آن در صحنه تحولات سیاسی جامعه بیم دارد. بنابراین تلاش می کند از همه ابزار سرکوب، علیه جنبش طبقاتی کارگران استفاده کند تا شاید بتواند مانع پیشروی این جنبش گردد. در چنین شرایطی برای مقابله با مرحله جدید ترور و کشتار کارگران، باید از دایره افشاگری و محکومیت رژیم فراتر رفت و از همه امکاناتی که در دل جامعه و در سطح بین المللی موجود است و از هر روزنه ای که امکان پذیر است، دامنه اعتراضات موجود را به سطح یک حرکت اجتماعی عظیم گسترش داد.

ما به عنوان جمعی از فعالین و دوستان ان جنبش کارگری و سوسیالیستی، گرد هم آمده ایم، تا شرایط را برای شرکت فعال در این کارزار فراهم کنیم. ما از همه فعالین جنبش کارگری، احزاب، سازمانها، نهادها و گرایشات سوسیالیست، مترقی و انسان دوست دعوت می کنیم که برای سازمانیابی یک حرکت اجتماعی بر علیه رژیم و به گلوله بستن کارگران مجتمع مس، تلاش هایمان را هماهنگ کنیم. در بسترآغازین این حرکت ما نکات و گزینه های زیر را پی گیری و پیشنهاد می کنیم:

- به گلوله بستن تجمع اعتراضی کارگران مرحله جدیدی به منظور سرکوب و سرانجام به عقب راندن جنبش کارگری است. مقاومت و اعتراضات کارگران و گسترش دامنه اعتراضات آنها از محیط کار به سطح شهر، اما نمادی است از مقاومت شورانگیز کارگران، در برابر این سیاست. برای احترام به

جانباختگان این رویداد و حرکتی نمادین در گرمی داشت کلیه جانباختگان جنبش کارگری، این روز را به نماد همبستگی با جانباختگان جنبش کارگری بدل کنیم.

- سازمان بین المللی کار، چندی پیش در پی توافقی با جمهوری اسلامی مدعی شد که شرایط تشکیل کمیسیون سه جانبه دولت، کارفرما و کارگران برای تحقق تشکل مستقل کارگری در ایران وجود دارد. کشتار کارگران مجتمع مس، نشان داد که کارفرماها هیچ گونه حقوقی برای کارگران به رسمیت نمی شناسند و ضمن پایمال نمودن حقوق کارگران، از دولت درخواست مقابله با آنها را می کنند. دولت نیز ابتدایی ترین حقوق کارگران را با سرکوب همه جانبه نظامی پاسخ می دهد. کنترل سیاسی در محیط کار و در سطح جامعه توسط دولت، بی اعتنایی و به زیر گرفتن حقوق صنفی و اجتماعی کارگران توسط کارفرماها، همواره از موانع مهمی در راه شکل گیری تشکل های مستقل متکی به جنبش طبقاتی کارگران بوده و بارها ابتکارات خودسامان کارگران برای دست یابی به تشکل های خود، توسط آنها سرکوب و یا به حاشیه رانده شده است. در ایران، کارگران از حداقل حقوق اجتماعی و صنفی خود محرومند. حق تشکل، حق اعتصاب و ... به رسمیت شناخته نمی شود

- در ایران اگر تشکل مستقل کارگری وجود ندارد، سنت نمایندگی کارگری، اما سنت دیرپایی است که همواره از درون جنبش کارگری بر خاسته و نمادی برای طرح و پی گیری خواسته های واقعی کارگران بوده است. ما از نمایندگان واقعی و مورد اعتماد کارگران که در مبارزات روزمره و اجتماعی آنها همواره پیشگام بوده اند، درخواست می کنیم، ابتکار عمل را به دست گرفته و با هر شیوه ای که مناسب می دانند، هئیتی را برای بررسی این جنایت از بین خود انتخاب نمایند. ما حمایت خود را از این گونه ابتکارها، اعلام نموده و امکانات خود را در این راستا به کار خواهیم گرفت.

- ما از تمامی وکلای آزادمنش و شریف درخواست می کنیم که از همه امکانات موجود در ایران و جهان، استفاده کرده و دادخواست حقوقی کشتار کارگران را پی گیری نموده و عاملین و آمرین آن را به افکار عمومی ایران و جهان معرفی کنند.

- ما همچنین خواستار آنیم که یک هئیت بین المللی از نمایندگان تشکل های کارگری شناخته شده و معتبر جهانی برای بررسی این جنایت، و نیز بررسی حقوق پایمال شده کارگران به ایران اعزام شود.

- ما از همه اتحادیه ها و نهادهای کارگری، از همه احزاب، سازمانها و گروه های سوسیالیست، پیشرو و مترقی، همه نهادهای حقوقی، انجمن های انسان دوست و افراد آزادمنش در سطح جهان در خواست می کنیم که جمهوری اسلامی را محکوم نموده و از خواست های کارگران ایران دفاع کنند و با مشارکت خود در این حرکت اعتراضی اجازه ندهند که چنین کشتاری دوباره تکرار شود.

- ما از همه دست اندرکاران نشریات، رسانه های خبری، مطبوعات، رادیوها، سایت های اینترنتی و ... درخواست می کنیم که بخشی از تلاش های خود را به طرح روتین و ویژه نکات مربوط به پی گیری کشتار کارگران مجتمع ذوب مس و مطالبات آنها که بخشی از مطالبات سراسری کارگران است، اختصاص دهند.

- ما ضمن همدردی با خانواده های جانباختگان از همه انسان های شریف و آزادمنش در خواست می کنیم که با کمک های مادی و معنوی خود و از هر طریق که صلاح می دانند، خانواده های جانباختگان و مجروحین این رویداد خونین را مورد پشتیبانی قرار دهند.

ما دست همکاری همه فعالین و دوست داران جنبش کارگری را در راستای پیشبرد یک کارزار اجتماعی برای تحقق این اهداف به گرمی می فشاریم.

کمیته عمل در دفاع از کارگران مجتمع ذوب مس

26.01.2004

هفتم بهمن ماه هزار و سیصد و هشتاد و دو

